

عباس آخوندی بالاخره از وزارت راه و شهرسازی رفت اما آثار سوء‌مدیریت او تا سالها بر جا می‌ماند و تازه‌بانهایش بر گرده و صورت بی‌مسکن‌ها نواخته خواهد شد.

بر اساس آماری که حامد مظاهریان؛ معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد؛ ۲۵ درصد مردم اجاره‌نشین هستند و معمولاً مستأجران از قشر ضعیف‌تر جامعه محسوب می‌شوند. آنچه از این آمار فهمیده می‌شود این است که بیش از هشت میلیون نفر از حدود ۲۴ میلیون خانوار ایرانی فاقد مسکن مالکیتی هستند؛ یعنی بیش از ۲۸ میلیون نفر از جمعیت ۸۱ میلیون نفری ایران از درخانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند.

به این جمعیت باید سالانه حدود یک میلیون نفر که در قالب ۵۰۰ هزار زوج به مسکن نیاز پیدا می‌کنند را هم افزود و این در حالی است که به گفته مسئولان و کارشناسان، توان ساخت و ساز کشور در حوزه مسکن، حدود یک میلیون واحد در سال است. به این ترتیب اگر دولت بخواهد برای هشت میلیون خانواده بی‌مسکن و سالانه ۵۰۰ هزار خانواده جدید که اغلب جز اقشار کم درآمد هستند مسکن تهیه کند، حداقل ۱۲ سال زمان نیاز دارد. همه این آمارها، به شرط آن است که اولویت ساخت مسکن که به خانواده‌ها بدهیم و الا اگر معیار ما، مسکن برای هر فرد باشد، باید ۲۸ میلیون واحد مسکونی فقط برای جمعیت فعلی بسازیم.

اکنون باید پرسید که کارنامه مسکن‌سازی دولت‌های یازدهم و دوازدهم شامل ساخت چند خانه یا آپارتمان است؟ و آیا تعلق بیش ساله وزارت راه و شهرسازی، طول زمان بی مسکنی مستأجران گذشته، حال و آینده را افزایش نخواهد داد؟ آنهم با تورم سرسام آور اجاره و قیمت سرپناه آیا این ارتکاب دو جرم بی‌دریی نیست که با زیر پا گذاشتن حقوق اولیه انسان‌ها و نص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از افتتاح مسکن خانواده‌های کم درآمد شانه خالی کرده و به آن افتخار هم می‌ی‌کند؟ آیا ادامه دار شدن اجارنشینی پنج میلیون خانواده، دستاورد قابل افتخاری است؟!

این در حالی است که امنیت، هوا، آب، غذا، پوشاک، بهداشت، درمان مسکن، آموزش و ازدواج جز حقوق اولیه هر بسری اعم از شهروند و غیر شهروند است. حقوقی که خالی متعال به عنوان روزی برای همه انسان‌ها (نه فقط اکثریت یا اقلیت) قرار داده و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به آن تاکید کرده است. ما به این حال، یک اقلیت محدود تلاش می‌کند به نام اقتصاد آزاد و اقلیتی دیگر به نام اقتصاد دولتی. این حقوق را از مردم سلب کرده تا از این راه به سوداگری یا اعمال قدرت بپردازد.

مسکن سازی دولت: نص قانون اساسی
اظهارات خلاف قانون اقلیت فوق در حالی بیان شده که نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک با تاکید بر این‌که تامین مسکن مورد نیاز مردم وظیفه قانونی دولت‌ها بر اساس نص صریح قانون اساسی است، می‌گوید: بر اساس قانون اساسی دولت مکلف است مسکن مورد نیاز اقشار کم درآمد جامعه را تامین کند.

حسام قیابایی با اشاره به الزامات مورد نیاز برای عمل به این وظیفه قانونی تصریح می‌کند: در این رابطه دولت باید تمام تلاش خود را به سمت تولید مسکن معطوف کند و به‌طور همزمان سرمایه‌گذاری در حوزه

زیرپراگذاشتن نص قانون اساسی

افتخار مدیران لیبرالی



ساخت و ساز مسکن را تشویق کند. همچنین دولت باید زیرساخت‌های لازم را در این بخش فراهم کند تا بتواند به وظیفه قانونی خود جامه عمل بپوشاند. دولت برای عمل به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید یک برنامه جامع و مدیریت منسجمی داشته باشد تا به این ترتیب مسکن مورد نیاز مردم که در شان آنها نیز باشد، تامین شود.

گفتنی است در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی آمده است: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به

بی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رف قفر و برطرف ساختن

هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه است.

در فصل سوم قانون اساسی و زیر فصل «حقوق ملت» اصل سی و یکم با تاکید بر این‌که داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت را موظف کرده با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینشان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

در فصل چهارم قانون اساسی (اقتصاد و امور مالی) هم یکبار دیگر موضوع مسکن مطرح شده است. در اصل چهارم و سوم قانون اساسی هم آمده است: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: تأمین نیازهای اساسی؛ مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

اکنون و با توجه به نص قانون اساسی و در کشوری چون ایران که ۲۰۰ سال زیر یوغ استعمارگران و دست نسلاندهای عقب افتاده و کودک مفت آنها بوده، باید فریاد بنزیم که مسکن سازی وظیفه دولت نیست و طوری رفتار کنیم که انگار اینجا منتهن نیویورک و مردم ایران، طبقه اشراف حاکم بر دولت و مردم آمریکا هستند؟! آیا این عوارض بسیار گران، زندگی‌های اشرافی نیست؟ آنهم در حالی که در آزادترین اقتصادها که در همان ۲۰۰ سال مشغول پیشرفت خود و عقب نگهداشتن ما بودند دولتیاشان برای اقشار کم درآمد خانه می ساختند.

آیا این نشان نمی‌دهد که برخی لیبرال‌های وطنی، لیبرالیسم را هم درست نفهمیده‌اند و آیا بار دیگر اثبات نمی‌کند که لیبرال‌ها جز حرف زدن هنری ندارند؟!

در اقتصاد سنتی ایران، اجاره دادن مسکن و هر نوع سوداگری با نیازهای اولیه مردم، شغل محسوب می‌شد، حال آنکه اصل رقابت سالم هم باید بر سر نیازهای ثانویه صورت بگیرد آنهم بطوری که منجر به نکاتر ثروت در دست عده ای خاص یا دولت نشود.

با بالا رفتن میزان سود و آگاهی‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم رفته رفته متوجه شدند که رقابت سالم باید بر سر نیازهای ثانویه و بویژه در حوزه اختراعات و نوآوری‌های کالایی و خدماتی باشد. لوکوموتیو اقتصاد در جهان پیشرفته صنایع هسته‌ای، فضایی، بیوتکنولوژیک و از این قبیل است که حتی صنعت ساختمان را به عنوان یکی از واگن‌ها به خود وصل کرده است اما سوداگری با نیازهای اولیه مردم در افکار برخی مسئولان ما هنوز جولان می‌دهد و برای حفظ مالکیت در دست عده‌ای خاص یا دولت،

اقتصادی

زیرپراگذاشتن نص قانون اساسی

افتخار مدیران لیبرالی



قاسم رحمانی

همه طرح های مردم شمول را کنار گذاشته و با زیر پا گذاشتن قانون‌اساسی، از افتتاح طرح‌های مسکنی اقشار کم درآمد طرفه رفته و به آن افتخار هم می‌کنند. آنها هنوز صنعت ساختمان، آنهم از نوع معیشتی‌اش را لوکوموتیو اقتصاد می‌دانند و هم‌نوا با دشمنان به تعطیلی صنایع اصطلاحاً هایتک اقدام می‌کنند.

حال آنکه ساخت مسکن در کشوری چون ایران، یک گزاره معیشتی و وظیفه دولت است.اگر هم قرار است به تقلید از اقتصاد قرون ۱۹ و ۲۰ غرب، ساختمان سازی آزاد را لوکوموتیو اقتصاد قرار بدهیم، بخش تجاری آن یعنی ساخت پاساژ و بازارهای جدید و امثالهم را مینا بداینم نه سرپناه مردم کم درآمد.

راهکارهای خانه دار شدن مردم

کارشناسان و برخی مسئولان، راهکارهای خود برای مسکن دار شدن مردم بارها گفته اند. برخی از این پیشنهادات در دولت‌های نهم و دهم منتج به ساخت مسکن مهر شد. همان طرحی که وزیر دولت تدبیر و امید آن را ازمرخف خواند و با افتخار حتی یک باب از واحدهای باقیمانده‌اش را افتتاح نکرد.عباس آخوندی، طرح مسکن ۲۰ درصد هزینه نهایی تولید مسکن، وجود دارد.آنچه بر این پیشنهاد می‌توان افزود اینکه، سهم قیمت زمین برای اقشار کم درآمد (تحت پوشش و غیر تحت پوشش) باید صفر باشد.

کمیسون مسکن اتاق تعاون ایران می‌افزاید: نقش مدیریتی واسطه‌ها، در ازای کار مشخص برای اقتصاد، درآمدی جامعه مانند کمیته امداد مانم خمینی(ره)، و قیمت نهایی برای مصرف کننده،مخرب است. در شرایط کنونی اقتصاد کشور قیمت نهایی مسکن نوساز بر اساس

مارکتینگ و قواعد مربوط به خرید عمده و خرده‌فروشی است اما تازه فهمیدم که اینگونه نیست. در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت تولیدکنندگان قیمت سفارشات خریداران عمده و فروشگاه‌های زنجیره‌ای را با هماهنگی قبلی، بیشتر از قیمت واقعی درج می‌کنند که هنگام فروش در ظاهر به مشتری تخفیف داده شود، اما در اصل نه تنها تخفیفی داده نشده بلکه برخی محصولات را گران‌تر از حد معمول به فروش رسانده‌اند که در نمونه کالای بالا مشاهده شد.

همچنین به نوشته مشرق، با مقایسه قیمت روی کالا و قیمتی که در فاکتور برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای درج می‌شود، می‌توان به میزان گرانفروشی این مجموعه‌های تجاری پی برد.

تخفیف‌های ارائه شده در فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌تواند به علت عرضه و تقاضا و اقتصاد مارکتینگ باشد، اما گویا انحرافاتی نیز در این مسیر وجود دارد. خبرنگار باشگاه خبرنگاران در گزارشی نوشت: چندی پیش که برای خرید به یکی از این فروشگاه‌های زنجیره‌ای مراجعه کردم، چند قلم کالا را در سبد خرید گذاشتم و پس از پرداخت مبلغ رسید را از صندوقدار گرفتم و طبق معمول پس از کنترل مبلغ و کالاهای خریداری شده، نگاهی هم به متن پایانی رسید کردم که نوشته بود: «سود شما از این خرید مبلغ ۷۵۴۰۰ ریال.»

بی‌اختیار بدون اینکه بدانم این تخفیف‌ها از کجا و به چه علت اعمال می‌شود، احساس رضایتمندی خوبی بابت این تخفیف داشتم. عصر وقتی مادرم به خانه برگشت، چند قلم کالا از مغازه محله خریداری کرده بود که چند قلم آن با خریدهای من مشترک کابینت می‌گذاشتم، متوجه چیز عجیبی شدم. مایع تمیزکننده‌ای که از یک شرکت بود، وقتی کالاهای خریداری شده را داخل کابینت می‌گذاشتم، متوجه چیز عجیبی شدم. مایع تمیزکننده‌ای که از یک شرکت بود، وقتی سایر کالاها را نیز چک کردم متوجه شدم قیمت همه محصولاتی که در فروشگاه زنجیره‌ای خریداری کرده ام، بسیار بالاتر از قیمت محصولاتی است که بر روی کالاهای مغازه درج شده است. به عنوان مثال قیمت یک قوطی کنسرو ذرت از یک مارک با تاریخ تولید مشابه حدود ۲ هزار تومان تفاوت قیمت داشت. یک کالا با یک تاریخ تولید از یک کارخانه با دو قیمت متفاوت!

وقتی سایر کالاها را نیز چک کردم متوجه شدم قیمت همه محصولاتی که در فروشگاه زنجیره‌ای خریداری کرده ام، بسیار بالاتر از قیمت محصولاتی است که بر روی کالاهای مغازه درج شده است. به عنوان مثال قیمت یک قوطی کنسرو ذرت از یک مارک با تاریخ تولید مشابه حدود ۲ هزار تومان تفاوت قیمت داشت. یک کالا با یک تاریخ تولید از یک کارخانه با دو قیمت متفاوت! وقتی قیمت سایر اقلام را نیز کنترل کردم، متوجه شدم قیمت مصرف کننده بسیاری از کالاهای موجود در فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای گرانتر از قیمتی است که بر روی کالاهای مغازه‌ای درج شده است. دو نمونه از این تخفیف‌ها از دو فروشگاه زنجیره‌ای معروف:

قیمت درج شده روی پنبیر ۱۰ هزار تومان، قیمت فروشگاه دو هزار تومان گران‌تر و با تخفیف، ۱۴۰۰ تومان گران‌تر از قیمت روی کالا!

قیمت روی کالا ۱۷۳۰۰ تومان، قیمت فروشگاه ۲۲۹۰۰ تومان و قیمت با تخفیف، تنها ۵۰تومان زیر قیمت درج شده روی کالا!

تفاوت تخفیف واقعی و غیرواقعی

از لحاظ اقتصاد مارکتینگ، خریدهای کلان و عمده دارای تخفیف‌های ویژه و ریزش قیمت است و کارخانه های تولیدی درصدی تخفیف را برای خریدهای عمده در نظر می‌گیرند که فروشنده بتواند علاوه بر محاسبه سود خود، تخفیف‌هایی به اتخاذ تصمیمات راهبردی از خود نشان نداده و آنها را به مجلس واگذار کرده است.



چرا دولت

تصمیمات اساسی بودجه ۹۸ را

بععهد مجلس گذاشت؟

با وجود آنکه به علت شرایط اقتصادی کشور، اصلاحات راهبردی در حوزه‌های مختلف اقتصادی ضروری است، لایحه بودجه سال آینده حاوی هیچ تصمیم اساسی نیست.

در سال جاری به علت بازگشت تحریم‌ها و سوءمدیریت داخلی، اوضاع اقتصادی کشور چندان مطلوب نبود و افزایش شدید تورم، موجب آسیب فراوان به اقشار مختلف جامعه شد. همچنین نتایج تصمیمات غیرکارشناسی سال‌های اخیر در سال جاری بروز یافت که افزایش شدید قاچاق سوخت به علت کنار گذاشتن سامانه کارت سوخت، از موارد آشکار آن است.

در این شرایط، انتظار می‌رفت دولت در لایحه بودجه سال آینده، ملاحظه‌کاری را کنار گذاشته و تصمیمات اساسی لحاظ کند. مثلاً بازگشت سهمیه‌بندی بنزین، افزایش حقوق‌ها متناسب با تورم و حذف پاره پودلارها حداقل انتظارات از لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ بود. اما دولت دوازدهم درباره هیچ یک تصمیم‌گیری نکرده است و همان روزمرگی سال‌های گذشته را تکرار کرده است.

در ماه‌های اخیر تقریباً دیگر هیچ مقام دولتی نبوده که از افزایش قاچاق سوخت، گلایه نکرده باشد. همه این مقامات نیز به اتفاق می‌گویند که در چاره رها مقابله با قاچاق سوخت، بازگشت به سامانه کارت سوخت و در صورت نیاز در گام بعدی، سهمیه‌بندی است.

با این حال، دولت در لایحه بودجه سال آینده هیچ حکمی درباره ضرورت بازگشت کارت سوخت و سهمیه‌بندی نکرده است که به نظر می‌رسد رندی

در حاشیه

در حاشیه افتخار عباس آخوندی به نساختن حتی يك مسكن



خانه دار شدن خانوارهای تحت تکفل خود کنند. همچنین می‌توان از ظرفیت خیرین جهت خانه دار شدن دهک‌های پایین درآمدی جامعه بهره جست.

این کمیسیون در راهکار دیگری تصریح می‌کند: صنعتی سازی سرعت انجام کار را افزایش می‌دهد و سرعت دوره بازگشت سرمایه را کوتاه کرده و بهره‌وری را بطور چشمگیری بالا خواهد برد. خانه‌های ساخته شده با استفاده از این روش، مقاوم تر هستند و اتلاف انرژی بسیار کمتر از روش‌های غیر صنعتی است. کمیسیون مسکن اتاق تعاون ایران، عدم کنترل تقاضای سوداگرانه در بازار زمین و مسکن شهری از سوی دولت‌ها حتی در شرایط عرضه مناسب آن را موجب ناکارآمد شدن سیاست تامین مسکن متناسب برای گروه‌های مردم می‌داند و اندامه می‌دهد: نبود سیاست‌های کنترلی در بخش مسکن منجر به افزایش جذابیت خرید و فروش زمین و مسکن نسبت به تولید و عرضه مسکن خواهد شد. ضمن اینکه ایجاد بانک اطلاعات زمین و مسکن از دیگر سیاست‌هایی است که مدیریت پروژه‌ها بپردازند، فرصت بهره‌مندی از ارزش افزوده حاصل از سرمایه‌گذاری در فرایند ساخت به مصرف کنندگان منتقل می‌شود، که این امر باعث کاهش قیمت تمام شده مسکن برای مصرف کنندگان می‌شود. این کمیسیون تاکید می‌کند: ضروری است تسهیلات مسکن، به گونه‌ای باشد که بتواند ۸۰ درصد از هزینه ساخت واحدهای مسکونی را پوشش دهد. این وام ساخت در زمان فروش واحدهای مسکونی به صورت فروش اقساطی به متقاضی منتقل می‌شود. برای متقاضیان، قرض الحسنه بودن نرخ سود تسهیلات ساخت واحدهای مسکونی و بلندمدت بودن زمان بازپرداخت اقساط وام دارای مطلوبیت است. کمیسیون مسکن اتاق تعاون ایران می‌افزاید: ضروری است سازمان‌ها و نهادهای متولی دهک‌های پایین درآمدی جامعه مانند کمیته امداد مانم خمینی(ره)، و سازمان‌های پژوهشی، بخش مناسبی از منابع و دارایی خود را صرف اعطای کمک‌های بلاعوض می‌شود.

مشاهده می‌کنید: فروشگاه افق کوروش قیمت آدامسی که پششش زده ۸هزار تومن رو فاکتور کرده ۱۳۵۰۰ با تخفیف ۱۲۰۰۰تومن! وقتی فروشگاه افق کوروش محصولی که روش ۱۰۰۰خورده فاکتور میکنه ۱۱۵۰۰ فروشگاه…… کلی از کانسوهای کوچک و خرده‌پای محله رو ورشکست کرده حالا داره با فروش جنس قدیم به قیمت جدیدخون مردم رو تو شیشه می‌کنه. پوشکی که روش خورده بود۲۷هزار تومن از فروشگاه همواره تخفیف افق کوروش خریدم ۵۷هزار تومن!

تایید گرانفروشی فروشگاه زنجیره‌ای توسط نماینده مجلس
در همین رابطه یکی از نمایندگان مجلس با حضور در یکی از شعبات فروشگاه زنجیره‌ای افق کوروش از نزدیک در جریان اعتراضات مردم نسبت به گرانفروشی در این فروشگاه قرار گرفت.

حجت‌الاسلام عبدالحمید خدری نماینده مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی که سابقه قضاوت در دادگاه انقلاب اسلامی را نیز در پرونده کاری خود دارد در جریان بازدید از این فروشگاه در حوزه انتخابیه خود، با اعتراض‌ها نسبت به گرانفروشی در این مجموعه فروشگاهی مواجه شد.

براساس فیلمی که از حضور وی در این فروشگاه منتشر شده است، خدری به مقایسه قیمت فروش کالایی مشابه با تاریخ تولید یکسان در افق کوروش و مغازه‌های سطح شهر می‌پردازد که نشان‌دهنده گرانفروشی ۳ هزار تومانی یک کالا در این فروشگاه است. آنچه از مکالمات در این ویدئو قابل مشاهده است، کالای مذکور در فروشگاه افق کوروش به قیمت حدود ۱۳ هزار تومان برای فروش عرضه شده که با تخفیف به مشتری ۱۰ هزار و ۴۰۰ تومان فروخته می‌شود در حالی که قیمت همین محصول در سطح شهر کمتر از ۱۰ هزار تومان است.

این گرانفروشی در حالی است که فروشگاه‌های زنجیره‌ای به دلیل خرید عمده از تولیدکنندگان، بعضاً با قیمت بسیار پایین‌تری از نرخی که در اختیار خرده‌فروشان قرار می‌گیرد، محصول را خریداری می‌کنند. بهرحال بروز این پدیده می‌تواند علاوه بر مخدوش کردن فعالیت فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ، تحول از فروش سنتی به مدرن را نیز به شکست منجر سازد.

در این میان حضور و نظارت دقیق نهادهای ناظر مانند سازمان بازرسی و تعزیرات و سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌تواند بسیار تاثیر گذار باشد. نظارتی که خلأ آن تاکنون مشهود بوده و ظاهراً ساز و کاری برای جلوگیری از تخلفات احتمالی وجود ندارد.

زیادی بر مردم وارد کرده، در اقدامی خلاف قانون، محصولانش را با نرخی بیش از آنچه بر روی کالا درج شده به مشتریان فروخته که همین مسئله اعتراض بسیاری از خریداران را به همراه داشته است.

در واقع این افزایش قیمت هنگام فروش علاوه بر میزانی است که تولیدکنندگان برای محصول افزایش درنظر گرفته‌اند که همین مسئله لزوم پیگیری جدی توسط مراجع نظارتی نظیر سازمان تعزیرات حکومتی، اتاق اصناف و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان را گوشزد می‌کند.

براساس ماده ۲ فصل اول قانون تعزیرات حکومتی، گران فروشی یعنی عرضه کالا یا خدمات به بهای بیش از نرخ‌های تعیین شده توسط مراجع رسمی و عدم اجرای مقررات

تخفیف‌های سرکاری فروشگاه‌های زنجیره‌ای



قیمت‌گذاری که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار شود که جریمه آن بر اساس میزان گرانفروشی توسط دادگاه تعیین می‌شود.

از این رو عدم برخورد بسا این نحوه گرانفروشی و همچنین اطلاع‌رسانی ضعیف از برخوردهای صورت گرفته، سایر فروشگاه‌ها و … را نیز به سوء استفاده از ضعف نظارت و برخورد متغیّب خواهد کرد. ضروری است نهادهای مسئول در این حوزه با توجه به شرایط جنگ اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران، راه را بر تحریم‌های داخلی و فشار بیشتر بر مردم ببندند.

در ادامه برخی از اعتراضات خریداران به گرانفروشی در این فروشگاه زنجیره‌ای را که در شبک‌های اجتماعی منتشر شده است، در